

ایران، هند، ترکمنستان زمینه‌های همکاری سه‌جانبه

مهرداد محسنین^۱

گسترش بحرانهای منطقه‌ای بزرگترین لطمه را به توسعه و رشد اقتصادی کشورهای آسیای مرکزی وارد می‌سازد. از طرف دیگر تجربه ثابت کرده که کنار گذاشتن یک نیروی بالقوه منطقه‌ای مثل هند یا ایران با توسل به سیاستهایی چون مهار، تحریم یا رقابت منفی، کمکی به حل بحرانها نکرده و به‌سادگی باعث تشدید آنها می‌شود. بنابراین ایران و هند علاوه بر مشارکت اقتصادی در آسیای مرکزی می‌توانند دامنه این همکاری منطقه‌ای تا مشارکت سیاسی در حل و فصل بحرانهای موجود و پیشگیری از بروز بحرانهای جدید را گسترش دهند.

این واقعیتی است که جهان در ۵ ساله آخر قرن بیستم شاهد تحول در سیستم سنتی نفوذ قدرتهای جهانی، خروج از وضعیت دنیای دو قطبی، تغییر مؤلفه‌های ژئواستراتژیک و بروز شکل جدیدی از برخوردها و منازعات می‌باشد. شروع این تحول را باید فروپاشی اتحاد شوروی سابق در سالهای ۹۱-۱۹۹۰ و شکست فلسفه و تفکر مارکسیستی - لنینیستی دانست. منطقه موردنظر ما یعنی آسیای مرکزی که استقلالش را که استقلالش را به واسطه فروپاشی شوروی سابق تحصیل نمود با وسعتی بسیار از دریای خزر در غرب تا مرزهای چین در شرق و از منطقه یخبندان سیبری در شمال تا مرزهای ایران و افغانستان در جنوب را فرا گرفته است. این منطقه که در طول تاریخ به نام ترکستان خوانده می‌شد، از نظر منابع معدنی و کشاورزی بسیار غنی و از لحاظ استراتژیک منطقه‌ای فوق‌العاده با اهمیت تلقی می‌شود. حکومت شوروی بتدریج و طی مراحل برنامه‌ریزی شده این منطقه را به پنج جمهوری قزاقستان، ازبکستان، تاجیکستان، قرقیزستان و ترکمنستان تقسیم نمود.

۱. آقای مهرداد محسنین کارشناس مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز است.

از نظر نقش و اهمیت اقتصادی منطقه برای شوروی سابق فقط باید گفت که آسیای مرکزی ۲۶٪ ذغال سنگ، ۳۲٪ نفت خام، ۹۵٪ بیسموت، ۹۰٪ کروم، ۹۰٪ اورانیوم، ۹۵٪ فسفر، ۷۶٪ مس، ۹۵٪ جیوه و ۸۶٪ سرب و قلع آن را تأمین می‌کرد.^۱

گرچه در آغاز فرآیند فروپاشی، نگرانی‌هایی در مورد مشکلات و مسائل این جمهوری‌ها و نحوه انتخاب هم‌پیمانان مشاهده می‌شد ولی امروز با گذشت ۶-۵ سال از استقلال جمهوری‌ها و شکل گرفتن برخی از نهادهای منطقه‌ای دیگر نمی‌توان آسیای مرکزی را نقطه بن‌بست استراتژیک و مسئله‌ساز جهان خواند، بلکه می‌بینیم که به سهولت تبدیل به چهارراهی فعال در تردد کالا و مواد اولیه و استراتژیک میان اروپا و آسیای دور شده است. این جمهوری‌ها به‌رغم دارا بودن منابع عظیم طبیعی، به هیچ‌وجه قصد ندارند قلمرو خود را تبدیل به جولانگاه قدرتهای بزرگ و رقابتهای بین‌المللی برای منابعی چون نفت و گاز نمایند. هرچند در اقتصاد آنها هنوز وابستگی‌هایی به روسیه دیده می‌شود؛ ولی با اشتیاق در پی یافتن جایگزینهای مناسبی چون جلب کمکهای مالی غرب، خاور دور، ترکیه، ایران و دسترسی به بازارهای جهانی جهت کاستن از این وابستگی می‌باشند.

موقعیت جمهوری اسلامی ایران

اگر موقعیت ایران را به‌عنوان همسایه بلافاصل منطقه مورد مطالعه قرار دهیم، در اولین نظر متوجه امتیازات جغرافیایی و طبیعی آن نسبت به سایر همسایگان می‌شویم. به کمک همین امتیازات بود که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال جمهوری‌های آسیای مرکزی، یکسره در جهت همکاری و مساعدت به رشد و توسعه اقتصادی - اجتماعی آنها، حل مشکل دسترسی به بازارهای بین‌المللی و رونق تجارت خارجی این جمهوری‌ها شکل گرفت. جمهوری اسلامی ایران علاوه بر گسترش روابط دوجانبه با یکایک کشورهای منطقه، با توجه عمیق نسبت به حل مشکل عمده آسیای مرکزی یعنی محصور بودن در خشکی و مسائل عدیده آنها در حمل و نقل کالا و توسعه حجم مبادلات بین‌المللی و صادرات و واردات مواد اولیه، به اقدام پرداخته و بلافاصله طرحهای مربوط به گسترش شبکه راه‌آهن ایران و اتصال منطقه آسیای مرکزی به خلیج فارس و دریای عمان را در صدر برنامه‌های اقتصادی کشور قرار داد.

شاید مهمترین گام در این راستا، اتصال راه‌آهن مشهد به شهر مرزی سرخس به طول

۱. نوراحمد بابا، استاد علوم سیاسی دانشگاه کشمیر، «اضطراهای به‌ارث رسیده و چشم‌انداز ثبات و توسعه در آسیای مرکزی»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال سوم، شماره ۸، زمستان ۱۳۷۳، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ص ۱۱۹.

۱۶۸ کیلومتر در داخل ایران و اتصال راه‌آهن از سرخس به تجن به طول ۱۳۰ کیلومتر در داخل خاک ترکمنستان بود که هم‌اکنون بیش از یک‌سال از فعالیت آن می‌گذرد. این طرح که در مجموع فاصله ترانزیت ریلی چین و آسیای مرکزی تا اروپا را نسبت به مسیر سیبری حدود ۳۰۰۰ کیلومتر نزدیکتر می‌سازد می‌تواند نقش عظیمی را در توسعه تجارت و توریسم این منطقه از جهان ایفا کند. از نظر ظرفیت، در مرحله اول جابجایی ۲ میلیون تن بار و ۵۰۰ هزار مسافر و در مرحله دوم ۸ میلیون تن بار و یک میلیون مسافر از خصوصیات این طرح می‌باشد.^۱

از طرف دیگر راه‌آهن کرمان - زاهدان نیز در دست اجرا می‌باشد که با تکمیل آن کشورهای آسیای مرکزی از طریق مشهد - تهران - کرمان - زاهدان به پاکستان و هندو آسیای جنوب شرقی متصل و با احداث راه‌آهن بافق - مشهد این ارتباط ۹۰۰ کیلومتر کوتاهتر خواهد شد. ضمناً مطالعات اتصال بندر چابهار به شبکه راه‌آهن کرمان - زاهدان نیز در دست انجام است که پس از تکمیل مطالعات و احداث این محور، امکان ارتباط ریلی کشورهای آسیای مرکزی علاوه بر بندر امام خمینی (ره) و بندرعباس با بندر چابهار نیز برقرار خواهد شد.^۲

جمهوری اسلامی ایران علاوه بر محور اقتصادی مذکور، در دو محور دیگر نیز با جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز به کار پرداخت. اول، تقویت و گسترش «سازمان همکاری‌های اقتصادی»، اگر، که با تشویق جمهوری‌ها و فراهم آوردن مقدمات عضویت آنها در این سازمان منطقه‌ای اینک آن را تبدیل به بزرگترین اتحادیه بعد از اتحادیه اروپا نموده است. عضویت در اکو در مسیر رهایی جمهوری‌های آسیای مرکزی از مشکلات اقتصادی مورد توجه آنها قرار گرفته و امروز با داشتن ۱۰ عضو، بیش از ۷ میلیون کیلومتر مربع وسعت و ۳۰۰ میلیون نفر جمعیت، در عین اینکه تبدیل به یکی از غنی‌ترین مناطق عرضه‌کننده مواد خام، انرژی و مواد اولیه کشاورزی شده، وسیع‌ترین بازارها را نیز برای جذب تولیدات صنعتی فراهم آورده است. دوم، تلاش‌های صلح‌جویانه ایران و میانجیگری‌های به‌عمل آمده در حل بحران‌های منطقه‌ای و مناقشاتی چون قره‌باغ، تاجیکستان و حتی افغانستان که به این وسیله با پُر کردن خلاء امنیتی، تهدیدات و تحریکاتی را که نسبت به صلح و ثبات سیاسی آسیای مرکزی و قفقاز اعمال می‌شود، کاهش می‌دهد.

۱. ویژه‌نامه «اقتصاد خراسان»، مشهد - اردیبهشت ۱۳۷۵، ص ۳۰.

Special Issue of «Eghtesad- e- Khorasan, Mashad- May 1996, p.30.

۲. هفته‌نامه «اقتصاد خراسان»، اول اردیبهشت ۱۳۷۵ (۲۰ آوریل ۹۶)، مشهد، ص ۸.

موقعیت هند

منافع و علائق هند در آسیای مرکزی در حقیقت ترکیبی از منافع سیاسی - استراتژیک و سپس اقتصادی می‌باشد. در این زمینه با یک بررسی ساده به موضوع روابط منطقه‌ای هند باز می‌گردیم و استقلال جمهوری‌های مسلمان آسیای مرکزی که با گسترش ناگهانی نفوذ پاکستان و با توجه به مواردی چون سلاح‌های هسته‌ای انبارشده در قزاقستان، اصولاً نمی‌توانست چندان مورد علاقه و خوشایند هند باشد. البته باید اذعان داشت که نظریه مذکور تا حدی به جناحها و محافل افراطی و ملی‌گرای هند مربوط می‌شود که تحت تأثیر تبلیغات وسیع غرب علیه به اصطلاح بنیادگرایی اسلامی قرار گرفته‌اند.

نفوذ و امتیاز بالای هند در آسیای مرکزی در درجه اول ناشی از چندین دهه روابط حسنه و نزدیک با اتحاد جماهیر شوروی سابق می‌باشد. امتیاز دیگر هند نفوذ فرهنگی عمیق آن در آسیای مرکزی است، خواه آن را به دوران امپراتوری کوشانی در بیش از ۲ هزار سال قبل ارتباط دهیم که سه فرهنگ هندی، ایرانی و آسیای مرکزی را به هم متصل می‌ساخت و یا فرهنگ امروز هند که در میان عامه مردم این جمهوری‌ها علاقه‌مندان و دوستداران فراوانی کسب نموده است. بنابراین هند از بسیاری جهات به عنوان دوستی قدیمی و قابل اعتماد در آسیای مرکزی تلقی می‌شود و در این ارتباط شاید ازبکستان را بتوان جلوتر از دیگران خواند زیرا هند تنها کشور منطقه بود که در دوران حکومت شوروی، اجازه فعالیت کنسولی در تاشکند را یافت. در حال حاضر هند علاوه بر قراردادهای دوجانبه دوستی و همکاری با کشورهای آسیای مرکزی، به همکاری‌های سه‌جانبه نیز روی آورده است. در بررسی روابط دوجانبه هند با آسیای مرکزی باید به درجات آن نیز توجه کرد، این روابط با ازبکستان به دلایل تاریخی، فرهنگی و سیاسی، از عمق بیشتری برخوردار بوده، با قزاقستان حجم مبادلات اقتصادی بسیار بالاست و در مراحل بعدی ترکمنستان، قرقیزستان، و بالاخره تاجیکستان قرار دارند. سیر چنین تفاوتهایی را در جریان سفر ماه مه ۱۹۹۳ آقای راثو، نخست‌وزیر وقت هند به منطقه و میزان اعتبار دلاری که به ترتیب به هریک از کشورهای مذکور تعلق گرفت، می‌توان ردیابی کرد.^۱

زمینه‌های همکاری ایران و هند

همان‌طور که می‌دانیم قبل از فروپاشی شوروی، چیزی به نام همکاری اقتصادی با

1. Ferdinand, Peter (Edited by), «The New Central Asia & its Neighbours», The RoyallInstitute of International Affairs, London, 1994, pp.81-83.

جمهوری‌های آسیای مرکزی مفهوم نداشت و اقتصاد تک‌محصولی هریک از جمهوری‌ها به صورت متمرکز و برنامه‌ریزی شده از طریق مسکو هدایت می‌گردید. به همین لحاظ کشورهای که بعد از فروپاشی به استقلال رسیدند متوجه مشکل مشترک فقدان زیرساختهای لازم در بنا و اداره اقتصاد ملی خود شده؛ ولی در عین حال به امتیاز ویژه خودشان که اجازه و زمینه همه‌گونه فعالیت اقتصادی را می‌داد نیز پی بردند. بعد از کنترل کشورهای تازه استقلال یافته بر منابع اقتصادی‌شان، توجه سرمایه‌گذاران غربی به سوی این منطقه جلب شده، بعضی بتدریج و با احتیاط و برخی با عجله و تهاجمی به این بازار بکر و وسیع روی آوردند. اما با گذشت ۵-۶ سال از استقلال این کشورها، از یک طرف احساس می‌شود که غرب هنوز نسبت به دردهای احتمالی سرمایه‌گذاری وسیع در آسیای مرکزی بویژه در زمینه مواد اولیه مانند نفت و گاز، طلا، پنبه و مواد معدنی مردد است و از طرف دیگر می‌بینیم که خصلتهای بنیادی اقتصاد کشورهای منطقه یعنی فقدان تجربه در تجارت بین‌المللی، مشکلات جغرافیایی آنها در دسترسی به بازارهای جهانی و اصلاح ساختارها و قوانین بازار، همچنان باقی مانده است. در این میان شاید مهمترین استراتژی برای کشورهای آسیای مرکزی، استراتژی انتخاب شریک مناسب جهت تطابق با اقتصاد جهانی است. در مورد انتخاب شریک باید به عواملی چون قربانهای جغرافیایی - فرهنگی کشورهای نزدیک یا قطبهای بزرگ اقتصادی جهان توجه کرده و در نهایت مطمئن‌ترین را انتخاب نمایند. در میان شرکای بالقوه، هند به‌عنوان عمده‌ترین کشور جامعه اقیانوس هند و ایران به‌عنوان کشور محور در حوزه سازمان همکاری اقتصادی (ا.ک.و)، هریک ویژگی‌هایی دارند که مکمل یکدیگر بوده و به‌طور طبیعی با منطقی ساده، همکاری این دو در آسیای مرکزی منافع سرشاری را برای هر سه طرف در پی خواهد داشت.

با توجه به زمینه‌هایی که تاکنون فراهم آمده و کارهایی که انجام پذیرفته، ترکمنستان به‌عنوان نمونه مطالعاتی همکاری سه‌جانبه با ایران و هند انتخاب شده است. جمهوری اسلامی ایران هم‌اکنون با ۵ جمهوری آسیای مرکزی بویژه ترکمنستان، همکاری اقتصادی مطلوبی داشته و حجم مبادلات با جمهوری‌ها هر سال روبه افزایش است. در حال حاضر حدود ۱۲۰ موافقتنامه و قرارداد همکاری میان ایران و ترکمنستان به امضا رسیده که شاید یکی از مهمترین آنها قرارداد خط لوله انتقال گاز ترکمنستان از طریق شمال ایران به ترکیه باشد که موافقتنامه آن در سال ۱۹۹۴ منعقد گردید و قرار است تا ۲۸ بلیون مترمکعب گاز را انتقال دهد.^۱ سایر زمینه‌های همکاری ایران و ترکمنستان شامل کشاورزی، صنعت، مخابرات، حمل‌ونقل جاده‌ای و بالاخره احداث جاده می‌باشد.

1. E.I.U. Country Report, «Central Asian Countries», 4th quarter 1994, London

نظر هند در مورد مواضع ایران در منطقه از صحبت‌های آقای نارایانان معاون رئیس‌جمهوری هند در سفر اکتبر گذشته ایشان به تهران کاملاً مشهود می‌باشد. ایشان به‌صراحت یادآور شد که موضع مستقل و اصولی ایران برای مقابله با سیاست‌های فشار قدرتهای جهانی به کشورهای در حال توسعه و غیروابسته و همچنین نقش مؤثری که ایران تاکنون در حل مناقشات منطقه‌ای ایفا کرده، مورد حمایت و استقبال هند قرار دارد.^۱ لذا طبیعی بود که هند به‌عنوان اولین کشور به ندای جمهوری اسلامی ایران در ایجاد محورهای همکاری سه‌جانبه میان کشورهای منطقه، پاسخ مثبت داده و در ۱۸ آوریل ۱۹۹۵، اولین گام با امضای قرارداد همکاری سه‌جانبه میان وزرای خارجه ایران، هند و ترکمنستان برداشته شد.^۲ طی آخرین دیدار وزرای خارجه سه کشور که در ۴ اسفند ۱۳۷۵ (۲۲ فوریه ۱۹۹۷) در تهران برگزار شد، سند مهمی در زمینه گسترش همکاری‌های صنعتی - بازرگانی و یک قرارداد ترانزیت کالا به امضا رسید که بر مبنای آن انتظار می‌رود هزینه حمل کالای هندوستان به آسیای مرکزی تا ۳۰٪ کاهش یابد. زمینه‌های دیگری که در جهت همکاری‌های سه‌جانبه مورد توافق قرار گرفت شامل ایجاد کارخانجات نساجی، ساخت یک مجتمع پتروشیمی، تأسیس فروشگاه‌های زنجیره‌ای و انتقال گاز ترکمنستان به هند می‌باشد. از جمله مهمترین ابعاد قرارداد اخیر فراهم آمدن امکانات پیوستن سایر دولتهای مستقل مشترک‌المنافع و چشم‌انداز تشکیل یک سیستم فراگیر همکاری منطقه‌ای می‌باشد.

تشویق همکاری‌های سه‌جانبه ایران - ترکمنستان با کشورهای چوچون اوکراین، ارمنستان و روسیه و بالاخره هند از یک سو می‌تواند منابع اقتصادی، نیازها و رشد و توسعه کشورهای منطقه را با هزینه کمتری تأمین نماید و از سوی دیگر موجب کاهش نفوذ و سلطه قدرتهای خارجی و در نتیجه تأمین صلح و ثبات در منطقه گردد.

گرچه محور موردنظر هند در ورود به قرارداد همکاری سه‌جانبه، در وهله اول متوجه حمل و نقل کالا بین هند - ایران و ترکمنستان بود ولی لازم به یادآوری است که علاوه بر هند، کشورهای چوچون اندونزی، مالزی، فیلیپین، تایلند و برونئی نیز نسبت به عقد قراردادهای سه‌جانبه علاقه‌مندی خود را ابراز داشته‌اند. اما به‌نظر جمهوری اسلامی ایران، هند به‌عنوان مهمترین کشور جنوب آسیا، بزرگترین شریک تجاری شوروی سابق با جمعیت ۹۰۰ میلیونی خود، این حق را دارد که در پی یافتن امن‌ترین، ارزانه‌ترین و نزدیکترین راه ترانزیت، اولویت لازم را کسب نماید. در مقابل با توجه به توانایی‌های بالقوه‌ای که در بطن این همکاری

۱. روزنامه همشهری، ۳ آبان ۱۳۷۵ (۲۴ اکتبر ۱۹۹۶)، ص ۲.

۲. روزنامه اطلاعات، ۱۷ اردیبهشت ۱۳۷۴ (۶ مه ۱۹۹۵)، ص ۱۲.

سه‌جانبه نهفته است، ایران انتظار دارد توجه هند به گسترش زمینه‌های کار مشترک در ترکمنستان جلب شود.

اما اینکه چرا روی ترکمنستان بیش از سایر جمهوری‌ها تأکید می‌شود، روشن است زیرا در میان کشورهای آسیای مرکزی، تاجیکستان به‌رغم تلاشهایی که برای رهایی از بحران به‌عمل می‌آورد هنوز دچار مشکلات عدیده است، قزاقستان به‌دلیل حضور اقلیت قوی روس و مرز طولانی دو کشور، با روسیه ارتباط قویتری دارد و قرقیزستان نیز کمابیش به چین نزدیکتر می‌باشد، در حالی که ازبکستان بیش از حد به غرب روی آورده و ظاهراً محور شرق به غرب را به محور شمال به جنوب ترجیح می‌دهد. لذا به‌نظر می‌رسد ترکمنستان که بازارهای وسیع آن به‌طور فعال در جستجوی جذب سرمایه و تکنولوژی بوده، از نظر جغرافیایی مرزهای طولانی با ایران داشته و از نظر سیاسی روابط حسنه‌ای میان دو کشور برقرار می‌باشد، بهترین موقعیت را داراست. بویژه در شرایطی که روی افغانستان به دلیل ناآرامی، بی‌ثباتی، تفرقه و تأثیرپذیری از فشارهای خارجی و بالاخره ادامه توسل به راه‌حلهای نظامی فعلاً نمی‌توان حساب کرد. بنابراین اگر هند بخواهد برای دسترسی به دروازه جنوبی آسیای مرکزی، افغانستان را دور زده و راه نزدیکتری را برای پیش افتادن از رقبای تجاری خود انتخاب کند، فقط مسیر ارزان و مطمئن ایران و تقویت همین قرارداد همکاری سه‌جانبه باقی می‌ماند.

برای تقویت و توسعه قرارداد سه‌جانبه موجود باید به بازنگری زمینه‌های مستعد ترکمنستان برای همکاری با ایران و هند پرداخت. کشور چهارمیلیونی ترکمنستان در واقع سرزمینی ثروتمند با بازارهای بسیار وسیع در بخش تجارت می‌باشد، به‌صورتی که دولت هنوز در پُر کردن مغازه‌های شهر عشق‌آباد مشکل دارد، لذا کالاهای مصرفی روزمره مردم نظیر برنج و روغن و قند و شکر، چای و حبوبات و سیب‌زمینی، رب و پوشاک و پارچه و دهها قلم اجناس مصرفی دیگر همچنان رقم عمده‌ای از واردات ترکمنستان را تشکیل می‌دهد. از نظر منابع طبیعی ذخایر گاز ترکمنستان بالغ بر ۸/۱ تریلیون مترمکعب و ذخایر نفت حدود ۷۰۰ میلیون تن برآورد شده که مهمترین منبع تولید و درآمد ترکمنستان می‌باشد. در مرحله بعد، پنبه قرار گرفته که ۵۰٪ زمینهای زیرکشت ترکمنستان را به خود اختصاص داده و سایر منابع طبیعی این کشور شامل معادن غنی ید، برومین، سدیم و انواع نمک می‌باشد؛ ولی تاکنون سرمایه‌گذاری خارجی در ترکمنستان بیشتر متوجه منابع نفت و گاز و پتروشیمی بوده است.^۱ تکیه این مقاله ورود به بحث نفت و گاز نیست، لذا به تولید پنبه ترکمنستان به‌عنوان

۱. از سخنرانی آقای گوگوان‌فر، محقق و استاد مؤسسه روابط بین‌الملل معاصر چین در سمینار بررسی منابع و ظرفیتهای اقتصادی آسیای مرکزی و قفقاز، (تهران - بهمن ۱۳۷۳).

یک کالای استراتژیک می‌پردازیم که از مرحله تولید، تبدیل به نخ و پارچه و سایر مشتقاتش، بیش از صد نوع محصول به بار می‌آورد. مجموعه صنایع وابسته به پنبه از جمله پارچه‌بافی، قالیبافی، پتوبافی، مبلمان، تهیه فیبر، پوشش کابل، طناب، پلاستیک و کاغذ و مقوا، هریک زمینه و ظرفیت کافی برای جلب سرمایه، تکنولوژی و نیروی کار مشترک ایران و هند و ترکمنستان را دارا می‌باشد.

پنبه در میان محصولات کشاورزی ترکمنستان اصلی‌ترین محصول را تشکیل می‌دهد که تولید سالانه آن حدود ۱/۴ میلیون تن می‌باشد، از این مقدار حدود ۴۵۰ هزارتن پنبه محلولج به دست می‌آید که بخش اعظم آن صادر می‌شود؛ ولی می‌توان با احداث کارخانجات لازم در ترکمنستان و همکاری سه‌جانبه به تولید کالا و ایجاد ارزش افزوده پرداخت و قطعاً ترکمنستان نیز که در مسیر پی‌ریزی اقتصاد ملی خود گام برمی‌دارد، از چنین طرح‌هایی پشتیبانی می‌کند.^۱

ترکمنستان در راستای بنای اقتصاد ملی در درجه اول نیازمند کاهش رشته‌های وابستگی عمیق خود به روسیه می‌باشد که یکی از الزامات این امر توجه خاص به امکانات ترانزیت و اتصال راه‌آهن به ایران و گسترش بهره‌برداری از آن، جاده‌سازی، ساختمان‌سازی و بازسازی بنادر و ایستگاه‌های متعدد می‌باشد. توجه به روند خصوصی‌سازی در درجه دوم اهمیت قرار دارد که زمینه‌های گسترده‌ای را در بخش‌های کارگاهی کوچک برای مشارکت و همکاری باز می‌گذارد. ایجاد مناطق آزاد تجاری و فروشگاه‌های زنجیره‌ای در مجاورت شهرهای عمده از جمله دیگر مواردی است که جمهوری اسلامی ایران تجربیات خوبی داشته و با استفاده از تحقیقات و امتیازاتی که در این مورد داده می‌شود می‌تواند با مشارکت هند اقدام نماید.

در زمینه خاص پنبه، با توجه به بحران مدیریت در کارخانجات آسیای مرکزی و از جمله ترکمنستان، به نظر می‌رسد چنانچه طرح‌های مشارکت بر مبنای مواد اولیه از ترکمنستان، ماشین‌آلات از هند، احداث و محل کارخانه به همراه ایفای نقش ارتباطی از طریق ایران پی‌ریزی شود، می‌توان نتایج مثبتی را انتظار داشت. شاید یکی از گام‌های اولیه در این زمینه جلوگیری از انتقال بازار پنبه ترکمنستان به سایر نقاط باشد به این ترتیب که با مشارکت و همکاری هند حداقل انبار تجاری پنبه را در بندر چابهار مستقر کنیم.

۱. گزارش اقتصاد ترکمنستان، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال سوم، شماره ۷، پاییز ۱۳۷۳، صص ۱۸۵-۱۷۹.

نتیجه‌گیری

با توجه به نکات بالا و اینکه در برنامه‌های اقتصادی ۳ و ۱۰ ساله ترکمنستان اولویت دوم بعد از نفت و گاز، به پنبه داده شده و قرار است تولید پنبه این کشور تا سال ۲۰۰۲ به حدود ۲ میلیون تن بالغ گردیده، در حالی که نرخ رشد اقتصادی هدف، معادل ۱۲٪ در نظر گرفته شده^۱، به نظر می‌رسد قرارداد سه‌جانبه‌ای که در سال ۱۹۹۵ به امضا رسید و سند همکاری صنعتی - بازرگانی مورخ ۲۲ فوریه ۱۹۹۷ (۴ اسفند ۷۵) دارای حداکثر ظرفیت و امکان برای اجرا و گسترش باشد. به‌عنوان نخستین گام، احداث کارخانجات پنبه‌پاک‌کنی، ریسندگی و بافندگی جهت تبدیل پنبه خام به نخ و پارچه و کمک به افزایش تولید آن با مشارکت هند و ایران توصیه می‌شود. احداث یک کارخانه در مشهد یا بندر چابهار در حالی که پنبه آن از ترکمنستان و ماشین‌آلات آن از هند تأمین شود، با ایفای نقش ارتباطی ایران می‌تواند به سود هر سه کشور باشد. همچنین ایران و هند مشترکاً می‌توانند سهام برخی از کارخانجات آسیای مرکزی و از جمله ترکمنستان را که به دلیل مشکلات عدیده روبه تعطیلی هستند، خریداری و نسبت به احیاء آنها اقدام کنند.

همان‌طور که می‌دانیم گسترش بحرانهای منطقه‌ای بزرگترین لطمه را به توسعه و رشد اقتصادی کشورهای آسیای مرکزی وارد می‌سازد. از طرف دیگر تجربه ثابت کرده که کنار گذاشتن یک نیروی بالقوه منطقه‌ای مثل هند یا ایران با توسل به سیاستهایی چون مهار، تحریم یا رقابت منفی، کمکی به حل بحرانها نکرده و به‌سادگی باعث تشدید آنها می‌شود. بنابراین ایران و هند علاوه بر مشارکت اقتصادی در آسیای مرکزی می‌توانند دامنه این همکاری منطقه‌ای را تا مشارکت سیاسی در حل و فصل بحرانهای موجود و پیشگیری از بروز بحرانهای جدید گسترش دهند.

۱. رجوع کنید به همان منبع.



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی